

اخلاق انتخاباتی؛ بایدها و نبایدها

خلیل منصوری

وقتی سخن از اخلاق انتخاباتی به میان می آید، نخستین چیزی که به ذهن می آید، مراعات عفت عمومی، حرمت و حیثیت افراد و مراعات آبروی اشخاص است. از آن جایی که رویه انتخابات اسلامی، مبتنی بر حضور شایستگان در مسئولیت مناسب و جایگاه در خور است، بنابراین، هر کسی می بایست به بیان توانایی ها و شایستگی های خود اشاره کند و اجازه دهد تا انتخاب کنندگان با توجه به این صلاحیت ها و شایستگی ها به گزینش دست زنند. هر چند که تعریف از خود امری پسندیده نیست، ولی بیان توانمندی ها و شایستگی ها برای قرار گرفتن در مسئولیت، امری لازم و پسندیده است؛ زیرا در جامعه اسلامی هر شهروندی مسئولیت دارد تا در بهترین و شایسته ترین جایگاه قرار گیرد و مسئولیت خود را در قبال جامعه به انجام برساند.

مشارکت فعال در عرصه های مختلف جامعه، خود نوعی عمل به معروف و از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. این مشارکت، از انتخاب کردن تا انتخاب شدن را شامل می شود. همان گونه که امیرمومنان علی(ع) می فرماید که حضور ایشان در رهبری، به سبب تعهدی است که خداوند از عالمان و دانشمندان گرفته است و می بایست در این عرصه حضور فعال داشته باشد، همچنین هر کسی دیگر در هر مسئولیتی که احساس می کند توانایی و شایستگی آن را دارد، می بایست حضور یابد و مسئولیت و نقش اجتماعی خود را به درستی انجام دهد.

اصولا نظام اسلامی و جامعه اسلامی، مبتنی بر حق و تکلیف است. بدین معنی که برای هر حقی تکلیفی و برای هر تکلیفی حقی ثابت است. بنابراین، هر یک از شهروندان می بایست این حضور و مشارکت در نقش مختلف اجتماعی را به عنوان یک تکلیف بدانند و خود را در برابر مردم و دولت و خدا مسئول بشناسند. مردم این حق را دارند که از افرادی که شایسته نقش و مسئولیتی هستند بازخواست کنند که چرا نقش و مسئولیتی را که شایسته آن هستند به عهده نگرفته اند.

چنین نگرشی به مسایل و موضوعات اجتماعی در جامعه اسلامی، مقتضی این است که هر کسی که خود را شایسته می داند شایستگی های خود را بیان کند و مردم نیز موظف هستند تا براساس شایستگی ها دست به انتخاب بزنند.

همچنین مردم و شهروندان امت اسلام حق ندارند براساس معیارهایی که خداوند نمی پذیرد، دست به انتخاب بزنند و براساس ملاکهای غیر اسلامی، افرادی را برای مسئولیتی برگزینند. (بقره، آیه ۲۴۷ و آیات دیگر)

عیب زدن و آبروریزی، گناهی بزرگ

اگر رویه اسلامی در انتخابات مسئولین و اعطای نقش ها مورد توجه و عمل قرار گیرد، دیگر نیازی به این نیست که از اخلاق انتخاباتی به معنای دیگری سخن بگوییم، زیرا براساس رویه اسلامی در مسئولیت ها و نقش های اجتماعی، هر کسی که صلاحیت و شایستگی دارد می بایست مسئولیتی را به عهده گیرد و پاسخ گوی خدا و خلق باشد. پس بزرگ ترین و مهم ترین اخلاق انتخاباتی در رویه اسلامی، بیان توانایی ها و شایستگی ها براساس صداقت و حقیقت و عرضه آن به مسئولان و مردم است.

اما از آن جایی که در جامعه کنونی که به سوی جامعه اسلامی و قرآنی در حرکت است، رقابت های انتخاباتی معنا و مفهوم خاصی یافته و پذیرش مسئولیت و نقش های اجتماعی اکثرا به عنوان یک ارزش دنیوی و نه مسئولیت و تکلیف الهی مورد توجه قرار گرفته است، لازم است تا سخن از برخی از اخلاق اسلامی در حوزه رقابت های اجتماعی سخن به میان آید و نسبت به رویه ضداخلاقی و انسانی و الهی هشدار داده شود.

مشکل عمده رویه انتخاباتی کنونی این است که غالبا رقابت برای اشغال مسئولیت نیست، چنان که خداوند فرمان داده است تا مؤمنان برای پذیرش مسئولیت ها و انجام کارهای خیر با هم رقابت کرده و بر یکدیگر در انجام مسئولیت پیشی گیرند و مسارعت نمایند. (بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸؛ یس، آیه ۶۶) بلکه برای اشغال مقام و قدرت است. درحالی که نظام اسلامی اصولا قدرت محور و ریاست محور نیست، بلکه ولایت محور و مسئولیت محور است؛ به این معنا که هر کسی نسبت به دیگری از حق ولایت برخوردار است و مسئولیت سرپرستی برادرانه و محبت آمیز نسبت به دیگری را به عهده دارد و می بایست پاسخ گوی دیگری و خداوند باشد. (توبه، آیه ۷۱)

بنابراین، شخص باید به معرفی خود پردازد و از عیب جویی و عیب زدن به دیگران خودداری کند. این بدان معناست که حتی گناه و خطای دیگر را نمی بایست به رخ بکشد و آبروی کسی را بریزد؛ چه رسد که با افترا و اتهام زنی بکوشد تا رقیب را از دور انتخاباتی بیرون راند. از نظر قرآن، آبروی مؤمن و مسلمان بلکه انسان، حرمت دارد و می بایست در تکریم انسان و به ویژه مؤمن و مسلمان کوشید. پس اگر خطا و گناهی از وی می داند نمی بایست او را افشا کند و آبروریزی کند و هتک حیثیت نماید؛ چرا که این کار گناهی بس بزرگ است و خداوند هتک حرمت دیگری را ناپسند و حرام می داند. (توبه، آیه ۷۹؛ احزاب، آیه ۵۸؛ حجرات، آیات ۱۱ و ۱۲) در این راستا

خداوند در قرآن به هتاکان و آبروریزان، و کسانی که هتک حرمت می کنند و آبروی اشخاص را می ریزند، عذاب های سختی در دنیا و آخرت وعده می دهد. (نور، آیات ۱۹ و ۲۳)

هر کسی باید به گونه ای عمل کند که آبروی دیگری نریزد و شخصیت اجتماعی او حفظ شود. (نساء، آیه ۱۱۲؛ نور، آیات ۶ و ۱۱ و ۱۵) بنابراین ترور شخصیت افراد به ویژه مومنان امری ناپسند و حرام و گناهی بزرگ است.

سرزنش کردن افراد و تحقیر آنان به خاطر گناه یا خطا و یا اشتباه، امری ناپسند و حرام است و کسی که به این کار اقدام می کند، خداوند کاری می کند که خودش در همین دنیا بدان مبتلا و گرفتار شود و خوار و رسوا گردد و بدان امری که دیگری را سرزنش کرده خود مبتلا شود. پیامبر اکرم(ص) در این باره می فرماید: هر کس کار زشتی را فاش کند، کیفر او مانند کسی است که آن را انجام داده است و کسی که مومنی را به گناهی سرزنش کند نمیرد تا خود آن را مرتکب گردد. (اصول کافی)

آن حضرت همچنین فرموده است: هر کس کار زشتی را از مومنی بشنود پس آن را انتشار دهد، گناه او مانند کسی خواهد بود که آن را انجام داده است و کسی که کار نیکی را بشنود و آن را افشاء کند، پاداش وی مانند کسی است که آن را عمل نموده است. (وسائل الشیعه جلد ۸)

پیامبر اکرم(ص) در جایی دیگر می فرماید: دشنام دادن به مومن نافرمانی است و جنگ با او کفر و خوردن گوشت (غیبت) او گناه بوده و احترام (و ارزش) مال او مانند احترام خون او است. (اصول کافی)

امام صادق(ع) نیز می فرماید: مسلمان، برادر مسلم است، به او ستم نمی کند و با وی تقلب نکرده و محرومش نمی سازد. (وسائل الشیعه جلد ۸)

امام محمد باقر(ع) نیز می فرماید: براستی که نزدیک ترین چیزی که بنده را به کفر می کشاند این است که شخصی با دیگری اخوت دینی برقرار سازد و لغزش های وی را گردآوری نماید که روزی با آنها او را سرزنش نماید. (وسائل الشیعه جلد ۸) بنابراین، اگر کسی در انتخابات وارد شده می بایست اولاً در فکر مسئولیت و تکلیف شرعی و الهی باشد حال چه در مقام انتخاب کننده باشد یا انتخاب شونده و معیارهای الهی را در نظر بگیرد و اگر به فکر رقابت انتخاباتی مانند احزاب برای رسیدن به قدرت و مقام و منصب باشد، باید توجه کند که با این گناه، گناهی دیگر چون هتک حرمت و آبروریزی و اتهام و افترا را به آن نیفزاید.